



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ اصول و قواعد فقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: محمد رضا

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

رابطه‌ی نیت با عمل چگونه است؟ آیا نیت خوب می‌تواند عمل بد را موجه گرداند؟ مانند کسی که با نیت جهاد فی سبیل الله یا دفاع از هم‌نوع، در سپاه طاغوت می‌جنگد.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

نیت به معنای قصد تقرب به خداوند، برای قبول عمل نزد او لازم است، ولی کافی نیست. لازم است به این دلیل که عمل - هر اندازه نیکو باشد - بدون قصد تقرب به خداوند، برای او انجام نمی‌شود تا شایسته‌ی پاداشی از جانب او باشد؛ مانند غسلی که برای نظافت انجام می‌شود یا روزه‌ای که برای سلامت گرفته می‌شود یا نمازی که برای ریا گزاردن می‌شود یا جهادی که برای غنیمت برپا می‌شود یا علمی که برای شهرت اندوخته می‌شود، نه برای خداوند؛ با توجه به اینکه توقع پاداش از کسی، بابت کاری که برای او انجام نشده است، عاقلانه نیست. از این رو، خداوند بر لزوم خالص کردن دین برای او تأکید کرده و فرموده است: **﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾**^۱؛ «پس خداوند را در حالی عبادت کن که دین را برای او خالص کرده‌ای» و فرموده است: **﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾**^۲؛ «پس خداوند را در حالی بخوانید که دین را برای او خالص کرده‌اید اگرچه کافران خوش نداشته باشند» و فرموده است: **﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾**^۳؛ «و امر نشده‌اند مگر به اینکه خداوند را عبادت کنند در حالی که موحدانه دین را برای او خالص کرده‌اند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و این دین پابرجا است»؛ همچنانکه به عنوان قاعده فرموده است: **﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾**^۴؛

۱. الزمر/ ۲

۲. غافر/ ۱۴

۳. البینة/ ۵

۴. النساء/ ۱۱۴

«و هر کس این کار را برای خشنودی خداوند انجام دهد، به او پاداش بزرگی خواهیم داد»؛ همچنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: **«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ وَإِنَّمَا لِأَمْرِي مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَرَوُّجُهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»**^۱؛ «جز این نیست که اعمال به نیت است و برای هر کسی چیزی است که قصد کرده است، پس هر کس برای خداوند و پیامبرش هجرت کرده، هجرتش به سوی خداوند و پیامبرش بوده و هر کس برای دنیایی که به دست آورد یا زنی که به همسری گیرد هجرت کرده، هجرتش به سوی چیزی بوده که برایش هجرت کرده است».

با این حال، قصد تقرب به خداوند، برای عملی معنا دارد که تقرب به خداوند از طریق آن ممکن است و آن عملی است که مورد نهی او نیست؛ زیرا عملی که مورد نهی اوست، ذاتاً قابل قبول نیست تا با قصد تقرب به او قبول شود. از این رو، در تعریف «عبادت» روایت شده است: **«حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ»**؛ «نیت خوب با اطاعت» و روایت شده است: **«حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ مِنَ الْوَجْهِ الَّذِي أَمَرَ بِهِ»**؛ «نیت خوب با عمل به صورتی که به آن امر شده» و روایت شده است: **«حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ مِنَ الْوَجْهِ الَّذِي يُطَاعُ اللَّهُ مِنْهُ»**؛ «نیت خوب با عمل به صورتی که خداوند با آن اطاعت می‌شود»^۲، بل قصد تقرب به خداوند با عملی که مبعوض اوست، گمراهی است و با این وصف، هرگز نمی‌تواند موجب تقرب به او شود؛ چراکه گمراهی عذر نیست، بل گناهی بزرگ ناشی از کوتاهی در تحصیل علم است که به عذاب خداوند می‌انجامد؛ چنانکه فرموده است: **«إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»**^۳؛ «هرآینه کسانی که از راه خداوند گمراه می‌شوند برایشان عذاب شدیدی است به سبب اینکه روز حساب را از یاد بردند»؛ مانند عمل کسانی که درباره‌ی آنان فرموده است: **«وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا لَا تَعْلَمُونَ»**^۴؛ «و چون عمل زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: پدرانمان را بر آن یافته‌ایم و خداوند ما را به آن امر کرده است، بگو خداوند به عمل زشت امر نمی‌کند، آیا بر خداوند چیزی می‌بندید که به آن علم ندارید؟!»؛ با توجه به اینکه عمل زشت آنان با این توهّم بوده که خداوند آنان را به آن امر کرده، ولی خداوند این توهّم آنان را عذری بدتر از گناه دانسته است، یا مانند عمل کسانی که درباره‌ی آنان فرموده است: **«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۗ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا»**^۵؛ «بگو آیا شما را از زیان‌کارترین‌ها خبر بدهیم؟ کسانی که تلاششان در زندگی دنیا گمراهی بود، در حالی که می‌پنداشتند کار خوبی انجام می‌دهند! آنان کسانی هستند

۱. مسائل علی بن جعفر، ص ۳۴۶؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴۸؛ أمالی الطوسي، ص ۶۱۸.

۲. بنگرید به: المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۲۶۱؛ الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۸۳ و ۸۵؛ معانی الأخبار لابن بابویه، ص ۲۴۰.

۳. ص ۲۶ / ص ۳

۴. الأعراف / ۲۸

۵. الکهف / ۱۰۳-۱۰۵

که به نشانه‌های پروردگارشان و دیدار او کافر شدند، پس اعمالشان نابود شد و در روز قیامت برایشان وزنی نمی‌گذاریم؛» با توجه به اینکه عمل بد آنان با نیت خوب را زیان بزرگ‌تری برای آنان دانسته؛ چراکه به زیان آنان در دنیا و آخرت انجامیده است. بی‌گمان اگر نیت خوب، عمل بد را جبران می‌کرد، خوارج زیان کار نبودند؛ چراکه خروج آنان بر علی علیه السلام، بنا بر شواهد فراوان، با قصد تقرب به خداوند انجام شد، ولی به خواری آنان در دنیا و عذابشان در آخرت انجامید؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عبادت فراوانشان را بی‌فایده دانست و درباره‌ی شان فرمود: «يَفْرُغُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ»^۱؛ «قرآن می‌خوانند، ولی از گلویشان بالاتر نمی‌رود» یعنی از آنان قبول نمی‌شود، بلکه اگر نیت خوب، عمل بد را جبران می‌کرد، کمتر کسی در جهان زیان کار بود؛ زیرا کمتر کسی در جهان یافت می‌شود که توجیهی برای عمل بد خود نداشته باشد؛ همچنانکه بیشتر مظالم و مفاسد در جهان، بر پایه‌ی این اصل انجام می‌شود که هدف وسیله را توجیه می‌کند!

از اینجا دانسته می‌شود که هیچ عمل صالحی بدون نیت و هیچ نیّتی بدون عمل صالح سودمند نیست و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و این معنای حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که در آن آمده است: «لَا يَنْفَعُ قَوْلٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَا عَمَلٌ إِلَّا بِقَوْلٍ وَلَا قَوْلٌ وَلَا عَمَلٌ إِلَّا بِنِيَّةٍ إِلَّا بِمُؤَافَقَةِ السُّنَّةِ»^۲؛ «هیچ اعتقادی جز با عمل و هیچ عملی جز با اعتقاد و هیچ اعتقاد و عملی جز با نیت و هیچ نیّتی جز با انطباق بر سنت (یعنی شریعت) سود نمی‌رساند» و با این وصف، عمل و نیت مؤمن هر دو نیکوست، هر چند نیت او از عملش نیکوتر است؛ چراکه او همیشه قصد عمل نیکوتری را دارد، در حالی که توانایی و امکاناتش محدود است؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ»^۳؛ «نیت مؤمن از عمل او بهتر است و نیت کافر از عمل او بدتر است و هر عمل کننده‌ای بر طبق نیت خود عمل می‌کند» و در شرح آن از امام أبو جعفر باقر علیه السلام روایت شده است: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِهِ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ يَنْوِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُهُ وَنِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْكَافِرَ يَنْوِي الشَّرَّ وَيَأْمُلُ مِنَ الشَّرِّ مَا لَا يُدْرِكُهُ»^۴؛ «نیت مؤمن از عمل او بهتر است؛ زیرا او کارهای نیک را قصد می‌کند که نمی‌تواند انجام دهد و نیت کافر از عمل او بدتر است؛ زیرا او کارهای بدی را قصد می‌کند و آرزو دارد که نمی‌تواند انجام دهد» و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است: «إِنَّمَا حُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا

۱. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۷۹؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۲
 ۲. المحاسن للبرقی، ج ۱، ص ۲۲۲؛ بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۱؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۷۰؛ الشریعة للأجری، ج ۲، ص ۶۳۸؛ الإبانة الكبرى لابن بطة، ج ۲، ص ۸۰۳؛ أمالی الطوسي، ص ۳۳۷ و ۳۸۶؛ تخریج الأحادیث والآثار للزلیعی، ج ۳، ص ۱۴۹
 ۳. المحاسن للبرقی، ج ۱، ص ۲۶۰؛ الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۸۴؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۶، ص ۱۸۵؛ أمثال الحديث لأبي الشيخ الأصبهاني، ج ۱، ص ۳۳؛ مسند الشهاب لابن سلامة، ج ۱، ص ۱۱۹؛ شعب الإيمان للبيهقي، ج ۵، ص ۳۴۳؛ التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد لابن عبد البر، ج ۱۲، ص ۲۶۵؛ تاریخ بغداد للخطیب البغدادي، ج ۹، ص ۲۳۶؛ الجامع الصغير للسيوطي، ج ۲، ص ۶۷۸
 ۴. علل الشرائع لابن بابويه، ج ۲، ص ۵۲۴

أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا، فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ، ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ قَالَ: عَلَى نِيَّتِهِ؛^۱ «اهل آتش به این دلیل در آتش جاودان می مانند که نیت شان در دنیا این بود که اگر در آن جاودان بمانند، تا ابد خداوند را نافرمانی کنند و اهل بهشت به این دلیل در بهشت جاودان می مانند که نیت شان در دنیا این بود که اگر در آن جاودان بمانند، تا ابد خداوند را فرمان برداری کنند، پس هر دو گروه با نیت خود جاودان می مانند. سپس سخن خداوند را تلاوت کرد که می فرماید: <هر کسی بر ساختار خود عمل می کند> فرمود: یعنی بر نیت خود».

بر این اساس، کسانی مانند داعشی ها، طالبان و جنود حاکمان مسلمان که ظاهراً به نیت جهاد فی سبیل الله با یکدیگر می جنگند، از نیت خوب خود سودی نمی برند؛ چراکه جنگ آنان با یکدیگر به استقرار حکومت خداوند بر زمین نمی انجامد، بل به استقرار حکومت شیطانی از این گروه یا آن گروه می انجامد که در زمین ظلم می کند و فساد می انگیزد و این نتیجه ای است که مبعوض خداوند است و از این رو، تلاش برای حصول آن نزد او قابل قبول نیست. آری، هرگاه غیر مسلمانان به سرزمین مسلمانان حمله کنند، جنگیدن با آنان به نیت دفاع از جان و مال و ناموس مسلمانان جایز است، اگرچه ناگزیر به همراه حاکم ظالم مسلمان باشد؛ چنانکه به سند صحیح از یونس بن عبد الرحمن روایت شده است: «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ بَلَغَهُ أَنَّ رَجُلًا يُعْطِي السَّيْفَ وَالْفَرَسَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَأَتَاهُ فَأَخَذَهُمَا مِنْهُ وَهُوَ جَاهِلٌ بِوَجْهِ السَّبِيلِ، ثُمَّ لَقِيَهُ أَصْحَابُهُ فَأَخْبَرُوهُ أَنَّ السَّبِيلَ مَعَ هَؤُلَاءِ لَا يَجُوزُ وَأَمْرُهُ بَرْدَهُمَا، فَقَالَ: فَلْيَفْعَلْ، قَالَ: قَدْ طَلَبَ الرَّجُلُ فَلَمْ يَجِدْهُ وَقِيلَ لَهُ قَدْ شَخَّصَ الرَّجُلُ، قَالَ: فَلْيُرَابِطْ وَلَا يُقَاتِلْ، قَالَ: فِي مِثْلِ قَرْوِينَ وَالِدَيْلِمَ وَعَسْقَلَانَ وَمَا أَشْبَهَ هَذِهِ الثُّغُورَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ لَهُ: يُجَاهِدُ؟ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى دَرَارِيِّ الْمُسْلِمِينَ، فَقَالَ: أَرَأَيْتَكَ لَوْ أَنَّ الرُّومَ دَخَلُوا عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَنْبَغْ لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهُمْ؟ قَالَ: يُرَابِطُ وَلَا يُقَاتِلُ وَإِنْ خَافَ عَلَى بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ قَاتَلَ، فَيَكُونُ قِتَالُهُ لِنَفْسِهِ وَلَيْسَ لِلسُّلْطَانِ، قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَابِطٌ كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يُقَاتِلُ عَنِ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ لَا عَنْ هَؤُلَاءِ، لِأَنَّ فِي دُرُوسِ الْإِسْلَامِ دُرُوسَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۲؛ «به ابو الحسن رضا عليه السلام گفتم: مردی از دوستداران تو مطلع شد که مردی در راه خداوند شمشیر و اسب می دهد، پس به نزد او آمد و از او گرفت و به حکم جهاد آگاهی نداشت، سپس یارانش او را دیدند و آگاه کردند که جهاد به همراه این ها جایز نیست و از او خواستند که شمشیر و اسب را برگرداند، فرمود: همین کار را انجام دهد، گفتم: به دنبال آن مرد گشت، ولی او را نیافت و به او گفتند که راهی شده است،

۱. المحاسن للبرقي، ج ۲، ص ۳۳۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۶؛ الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۸۵؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۵۲۳
 ۲. قرب الإسناد للحمیری، ص ۳۴۶ (با اختلاف)؛ الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۲۱؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۶۰۳؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۱۲۵

فرمود: پس مرزبانی کند و جنگ نکند، گفتم: در جایی مثل قزوین و دیلم و عسقلان و مرزهایی از این دست؟ فرمود: آری، گفتم: جهاد بکند؟ فرمود: نه، مگر اینکه بر نوامیس مسلمانان بترسد، گفتم: با این وصف، اگر رومیان به سرزمین مسلمانان داخل شوند برای آنان جایز نیست که جلویشان را بگیرند؟ فرمود: مرزبانی می کند و جنگ نمی کند، مگر اینکه بر کیان اسلام و مسلمانان بترسد و در این صورت برای خودش می جنگد، نه برای حکومت، گفتم: اگر دشمن به جایی آمد که او در آنجا مرزبانی می کند چه کند؟ فرمود: برای کیان اسلام بجنگد، نه برای این‌ها؛ چراکه در نابودی اسلام، نابودی دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم است» و این مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از گفتاری است که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِذَا رَأَيْتُمْ جَبَارِينَ يَفْتَتِلَانِ بِرَمْلٍ فَذَرُوهُمَا يَحْتَوُ أَحَدُهُمَا عَلَى الْآخِرِ حَتَّى يَهْلِكَ الْأَعْجَزُ! قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا مِنَ الشَّيْعَةِ وَالْآخَرُ مِنَ السُّنَّةِ؟ قَالَ: ذَرُوهُمَا، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا مُسْلِمًا وَالْآخَرُ يَهُودِيًّا؟ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَعْبِئُوا الْمُسْلِمَ، لَكِي لَا يَغْلِبَ عَلَيْكُمُ الْيَهُودِيُّ فَيَسْبَبَ نَبْيَكُمْ، وَيُحْرِقَ كِتَابَكُمْ، وَيَهْدِمَ مَسَاجِدَكُمْ!»
 «شنیدم منصور می فرماید: هرگاه دو جبار را بر خاک دیدید که با هم می ستیزند، رهانشان کنید که یکی بر روی دیگری بریزد، تا آن گاه که هر کدام ناتوان تر است نابود شود! (یعنی دخالت نکنید.) گفتم: چه می گویی اگر یکی از آن دو شیعه و دیگری اهل سنت بود؟ فرمود: رهانشان کنید، گفتم: چه می گویی اگر یکی از آن دو مسلمان و دیگری یهودی بود؟ فرمود: اگر این گونه بود مسلمان را یاری کنید تا یهودی بر شما چیره نشود که به پیامبرتان اهانت کند و کتابتان را آتش زند و مساجدتان را ویران نماید.»



بایکاء اطلاع بر سبب افتراف منصور هاشمی خراسانی
 مجلس شورای اسلامی ایران



۱. گفتار ۵۲، فقره ۲

www.alkhorasani.com

بایکاء اطلاع بر سبب افتراف منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.